

رابطه ی شیوه های فرزند پروری والدین با سخت رویی فرزندان

مسعود نقی پور^{*۱}

(۱) کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

*نویسنده مسئول: naghypour.masoud@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله ۸۹/۱۲/۱۷ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۸۹/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله ۹۰/۶/۱۸

چکیده

در این پژوهش، ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه، با سخت‌رویی فرزندان به روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی مورد بررسی قرار گرفت و از تعداد ۱۰۳۶ نفر از دانشجویان دختر و پسر دوره ی کارشناسی ورودی سال تحصیلی ۸۵-۸۴ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن تعداد ۳۰۰ نفر به تفکیک جنسیت در دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی و در محدوده ی سنی ۱۹ تا ۲۵ سال از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای، به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش میزان سخت‌رویی دانشجویان از پرسشنامه ی ۵۰ سؤالی کوباسا و برای سنجش شیوه‌های فرزند پروری، از پرسشنامه ی ۳۰ سؤالی باوم ریند که دارای روایی و پایایی بالا می باشد، استفاده شد. سپس داده‌های حاصل مربوط به فرضیه های اصلی با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون تعقیبی «^t فریدلی» و همچنین داده های مربوط به فرضیه های ویژه از طریق آزمون t استودنت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می دهند، بین شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه ی مثبت معنی دار و بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سخت‌رویی فرزندان، رابطه ی منفی معنی داری وجود دارد. همچنین بین شیوه ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی فرزندان، رابطه وجود ندارد. در ضمن بر اساس تحلیل فرضیه های ویژه ی پژوهش، بین میزان سخت‌رویی دختران و پسران، تفاوت معنی داری وجود دارد. در حالی که بین میزان سخت‌رویی دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی تفاوت معنی داری مشاهده نشد. کلید واژه‌گان: شیوه های فرزند پروری (مقتدرانه، استبدادی، سهل‌گیرانه)، سخت رویی (تعهد، کنترل، چالش).

مقدمه

است، چون مهمترین امکان طبیعی پیدایش و رشد طفل است و نیز واحد تمدن است چون افراد را از جنس های مختلف و سنین گوناگون به هم ربط می دهد و به عنوان واسطه‌ای که سنت های قدیم را با ارزش های اجتماعی جدید، پیوند می دهد(قائمی، ۱۳۷۳).

تأثیر خانواده به عنوان اولین و مؤثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان، امری بدیهی و مشخص است و تردیدی نیست که خانواده به عنوان قویترین سیستم بر پایه‌ریزی رفتار و شکل‌گیری شخصیت و فرایندهای

خانواده^۱ کانون اصلی پرورش است. اولین و مهم ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی^۲، آگاهی پیدا می کند. خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت ماست و در تعیین سبک و خط مشی زندگی آینده، اخلاق، محبت و سلامتی روانی ما نقش بزرگی بر عهده دارند. رشد عاطفی^۳ و سلامت روانی^۴ کودک به خانواده و محیط بستگی دارد. خانواده، واحدی زیستی

1. Family
2. Quality of Human Relations
3. Emotional Development
4. Mental Health

(جهت‌دهنده^{۱۱}) نامگذاری شده است که انتخاب هر یک از شیوه‌ها و سبک‌های مطرح شده توسط والدین، به شدت تحت تأثیر محله^{۱۲}، مدرسه^{۱۳}، خرده فرهنگ^{۱۴}، فرهنگ گسترده‌تر^{۱۵}، شخصیت والدین^{۱۶}، میزان درآمد خانواده^{۱۷}، تحصیلات والدین^{۱۸} و عوامل متعدد دیگر است (شریعتمداری، ۱۳۷۶).

مدی و اولت (کوباسا)^{۱۹} اطلاعات مفیدی را در این زمینه (ارتباط بین سخت‌رویی^{۲۰} با تعامل خانوادگی^{۲۱}) عرضه کرده‌اند آنها با توجه به تجارب گذشته‌ی افراد بزرگسال به این نتیجه رسیده‌اند که سخت‌رویی عمدتاً یک ویژگی اکتسابی است و سه مؤلفه‌ی این ویژگی، در اثر نوع تعامل خانوادگی، شکل می‌گیرد (مدی و اولت کوباسا، ۱۹۸۴، صص ۴۸ - ۴۹).

انسان‌ها در گذرگاه زندگی با موقعیت‌های گوناگون استرس‌زا^{۲۲} مواجه می‌شوند ولی آنچه مشهود است، واکنش‌های متفاوت افراد در کنار آمدن با این موقعیت‌ها است. استرس شامل الگوی پیچیده‌ای از احساسات منفی^{۲۳} و واکنش‌های فیزیولوژیکی^{۲۴} است که وقتی رخ می‌دهد که افراد در رسیدن به اهداف خود تهدید شوند و به مشکل برخورد کنند. ممکن است دو آدم متفاوت یک رویداد فشارزای معین را به دو صورت به کلی متفاوت ادراک کنند و این امر به معنایی بستگی دارد که آن موقعیت در نظر هر یک از آنان دارد. اهمیت خود واقعیت

درونی فرزند تأثیر عمیق و به سزایی دارد و آنها را شکل می‌دهد (لیل‌آبادی، ۱۳۷۵).

در سال‌های اخیر پژوهش‌های دامنه‌داری درباره‌ی عوامل خانوادگی مؤثر در رفتار و طرز فکر کودک انجام شده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تأثیر عوامل و روابط خانوادگی بر شخصیت کودک بسیار مهم و حیاتی است (احدی و بنی‌جمالی، ۱۳۷۲).

روانشناسانی چون، زیگموند فروید^۱، اریک اریکسون^۲، جان بالبی^۳، هاری استاک سالیوان^۴، کارن هورنای^۵ و حتی برخی از رفتارگرایان ناب، همگی در مورد وجود فضای گرم خانواده به ویژه در سال‌های اولیه، اهمیت خاصی قایل شده‌اند (شولتز^۶، ۱۹۹۲).

بسیاری از ویژگیهای شخصیتی کودک تحت تأثیر ویژگیهای شخصیتی^۷ و شیوه‌های فرزندپروری^۸ والدین است (لیل‌آبادی، ۱۳۷۵). تحقیقات بسیاری پیرامون شیوه‌های فرزند پروری صورت گرفته است. بعضی از والدین در روش تربیتی^۹ خود راه افراط برگزیده‌اند و به اعمال قدرت در محیط خانه معتقد هستند، برخی به طریق تفریط، توسل جسته‌اند و به نوجوانان آزادی محض می‌دهند. در این میان روش سومی نیز دیده می‌شود و آن هم روش والدینی است که ضمن ایجاد نظم و مقررات در محیط خانواده، جدیتی توأم با عطفوت، آزادی توأم با کنترل و محبتی جهت‌دار برای تربیت فرزندان خود در پیش می‌گیرند که این شیوه‌ها تحت سه عنوان استبدادی (سخت‌گیر)، آسانگیر و دموکراتیک^{۱۰}،

11. Raising
12. District
13. School
14. Subculture
15. Wider Culture
16. Parental Figures
17. Family Income
18. Parent Education
19. Maddi & Khobasa
20. Hard Supernatant
21. Family Interaction
22. Stressful
23. Negative Feeling
24. Physiological Reactions

1. Sigmund Freud
2. Eric Erickson
3. John Balby
4. Harry Stauk Sullivan
5. Kaen Horney
6. Schultz
7. Personality Characteristics
8. Parenting
9. Education Methods
10. Autocratic . Permissiveness . Democratic

این رویدادها، تسلیم منفعلانه را انتخاب نمی‌کند. فردی که مؤلفه‌ی کنترل در او بسیار است، احساس تأثیرگذاری بر جریان زندگی خود را دارد و غالباً خود را در تغییر و دگرگونی شرایط، توانا و مسوول می‌بیند (منبع کنترل درونی^۸) یعنی این اعتقاد که اعمال شخص عامل تعیین کننده‌ی اساسی برای پیامدهای اوست. فردی که از تعهد بیشتری برخوردار است، نه تنها خود را واجد ارزش می‌بیند بلکه در زندگی به چیزهای با ارزشی معتقد است که اهمیت و معنای زیستن را برای وی برجسته می‌سازد. فرد سخت رو دارای تعهد بسیار است زیرا به جای حس جدایی و بیگانگی، درگیری فعال و شدید را در کار نشان می‌دهند. جمع این سه ویژگی فرد را در برابر استرس بسیار مقاوم می‌کند (مدی^۹ و کوباسا، ۱۹۸۴).

پژوهش‌های متعدد حاکی از وجود اثرات سودمند سخت‌رویی بر سلامتی و نقش تعدیل کننده‌ی آن براسترس است. (ملک‌زاده، ۱۳۷۹). یافته‌های بامریند، نشان داد که فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب پرورش می‌یابند. آنها شاد و سرحال هستند. در تسلط‌یابی بر تکالیف جدید، اعتماد به نفس دارند و خودگردان هستند (بامریند، ۱۹۶۷؛ به نقل از برک، ۲۰۰۱، ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۸۳). این کودکان سوگیری جنسیتی کمتری هم نشان می‌دهند، دخترها در استقلال و میل به تسلط یافتن بر مهارت‌های جدید و پسرها در رفتار دوستانه و یاری‌گرانه، نمره‌های بالایی کسب کردند (بامریند و بلاک، ۱۹۶۷ به نقل از برک، ۲۰۰۱؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۳).

بعد از تحقیقات اولیه‌ی بامریند، مطالعات زیادی، یافته‌های او را تأیید کردند. فرزندپروری مقتدرانه در طول سال‌های کودکی و نوجوانی، با عزت نفس زیاد،

های عینی یک موقعیت، کمتر از اهمیت برآوردی است که افراد از آن موقعیت‌ها می‌کنند. مثلاً فشار ناراحتی ناشی از زایمان برای زنی که با اشتیاق در انتظار تولد فرزندش است به مراتب کمتر از زنی است که هیچ تمایلی به مادر شدن ندارد. ادراک شخص از یک رویداد فشارزا به برآورد او از درجه‌ی تهدیدآمیز بودن آن رویداد نیز بستگی دارد. موقعیت‌هایی که شخص آنها را به صورت تهدیدی برای زنده ماندن خود (اطلاع از ابتلا به سرطان) یا به صورت تهدیدی برای اعتبار و ارزش خود (شکست در شغلی که خودش برگزیده) ادراک می‌کند، بیشترین فشار روانی^۱ را ایجاد می‌کند (اتکینسون و همکاران^۲، ۱۳۷۳).

بنابراین همه‌ی افراد در برابر استرس یکسان نیستند، بلکه افراد از لحاظ مقاومت در برابر استرس متفاوتند. برخی افراد در برابر استرس‌های کوچک هم، ناتوان و بیمار می‌شوند و برخی در برابر استرس‌های شدید هم به خوبی عمل می‌کنند. یک ویژگی شخصیتی که در افراد مقاوم به استرس وجود دارد و آنها را از افرادی که نسبت به حوادث استرس‌زا آسیب‌پذیر هستند جدا می‌کند، سخت‌رویی است (کوباسا، ۱۹۸۴).

کوباسا (۱۹۸۵) سخت‌رویی را ویژگی شخصیتی پیچیده‌ای معرفی می‌کند که از سه مؤلفه‌ی چالش^۳، کنترل^۴ و تعهد^۵ تشکیل شده است. «فردی که خصیصه‌ی چالش در او بیشتر است، رویدادهای زندگی را به منزله‌ی فرصتی برای پویایی^۶ و سازگاری مجدد^۷ و میدانی برای تحقیق و ارتقای خویشتن تلقی می‌نماید و در برابر

1. Stress
2. Atkinson et al
3. Challenge
4. Control
5. Commitment
6. Dynamism
7. Compatibility

8. Locus of Control

9. Maddi

خبری نیست و برای بچه‌ها احترام قایل نمی‌شوند. در چنین خانواده‌ها، بچه‌ها احساس امنیت نمی‌کنند و وضع آنها همیشه متزلزل است. هدف انجام کارها را نمی‌دانند و جرأت نمی‌کنند دلیل آنها را بپرسند. نظم و انضباط به وضعی زنده و غیرقابل تحمل در خانه رسوخ دارد(کینگ، ۲۰۰۲؛ به نقل از صالحین، ۱۳۸۲).

کودک سرکوب شده در این خانواده‌ها کودکی است ترسو، خجالتی، با انضباط، حرف‌شنو، سر به راه و مطیع و از هر نوع قدرت و اقتداری اطاعت می‌کند و می‌خواهد هم‌رنگ جماعت باشد. رفتار استبدادی والدین، سبب می‌شود که فرزندان از آنها متنفر شوند و دچار ناراحتی روانی گردند(نیل، ترجمه‌ی صرافان، ۱۳۷۶؛ به نقل از صالحین، ۱۳۸۲).

مدی و کوباسا در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که حس تعهد در خانواده‌هایی رشد می‌کند که کودکان در جریان تعامل با والدین مورد حمایت واقع شوند. وقتی والدین در مقابل ابراز نیازهای عاطفی و شناختی کودکان متخاصم، سهل‌انگار یا انتقادگر باشند، فرزندان نیز خویششان خود را خالی از ارزش و دنیای پیرامون را خالی از محتوا می‌بینند. آنها همچنین دریافتند که، احساس تسلط یا کنترل بر محیط که دومین مؤلفه‌ی سخت‌رویی است، ریشه در تجارب خانوادگی دارد. به طور کلی اگر افراد در گذر از دوران طفولیت و خردسالی احساس کنند که در حل مسایل قابلیت و شایستگی کافی دارند، متعاقباً بر محیط خود احساس تسلط خواهند داشت. یافته‌های آنها همچنین نشان می‌دهد که شکل‌گیری سومین مؤلفه‌ی سخت‌رویی، یعنی حس چالش‌طلبی نیز به تجارب دوران کودکی وابسته است. در خانواده‌هایی که کودکان با تجربه‌های متنوع و تغییر در

پختگی اجتماعی و اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه دارد (اکلس و همکاران، ۱۹۹۷؛ لاسترومک آدو، ۱۹۹۶؛ اشتین برگ و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از برگ، ۲۰۰۱؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۳).

خودداری بچه‌هایی که در خانواده‌ی مقتدر پرورش می‌یابند از اعمال ناشایسته، نه به خاطر ترس از پدر و مادر یا بی‌مهری آنهاست و نه از ترس تنبیه و سرزنش ایشان است، بلکه به تدریج در سایه‌ی راهنمایی والدین، متوجه اعمال ناشایسته می‌شوند و شخصاً اعمال و رفتار خود را کنترل می‌نمایند(شریعتمداری، ۱۳۷۶).

این کودکان در مهارت‌های اجتماعی موفق‌ترند، زیرا بیش از دیگران از شیوه‌ی فرزندپروری مناسب برخوردار هستند. فرزندان این خانواده‌ها برونگرا و اجتماعی‌تر هستند و از اعتماد به نفس و استقلال بیشتری برخوردارند، پیشرفت تحصیلی بالایی دارند. همچنین در ارتباط با دیگران، خشنود، صمیمی و اجتماعی‌تر هستند(هافمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از اکبری خرازی، ۱۳۷۹).

بامریند همچنین دریافت که کودکان پیش‌دستانی دارای والدین مستبد، مضطرب، گوشه‌گیر و ناخشنود بودند. وقتی که آنها با همسالان خود تعامل می‌کردند، در صورت ناکامی، با خصومت واکنش نشان می‌دادند. مخصوصاً پسرها، خشم و سرپیچی زیادی نشان می‌دادند، دخترها وابسته و بی‌علاقه به کندوکاو بودند و از تکالیف چالش‌انگیز عقب‌نشینی می‌کردند(بامریند، ۱۹۷۱؛ به نقل از برگ ۲۰۰۱؛ ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۳).

در محیط دیکتاتوری، ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد. شخصیت و تمایلات و احتیاجات مورد توجه نیست و احتیاجات اساسی آنها، برآورده نمی‌شود و حق ابراز نظر و عقیده وجود ندارد، در این خانواده‌ها از محبت

($P > 0.05$). این واقعیت که در این تحقیق، یافته‌ها ارتباط معنی‌داری میان شخصیت کودکان و خصوصیات والدین نشان نمی‌دادند، محققین را نیز متعجب ساخته بود (بیگدلی، ۱۳۷۲).

در تحقیقی که اسماعیل‌زاده (۱۳۸۰)، تحت عنوان: ارتباط بین شیوه‌ی فرزندپروری دموکراتیک با انگیزه‌ی پیشرفت نوجوانان دوم دبیرستان در منطقه‌ی ۱۴ تهران بر روی ۱۲۰ نفر به روش تصادفی انجام داد، دریافت که بین شیوه‌ی فرزندپروری با انگیزه‌ی پیشرفت در سطح $\alpha = 0.01$ ارتباط معنی‌داری وجود دارد. یعنی بین شیوه‌ی فرزندپروری دموکراتیک با انگیزش پیشرفت، رابطه‌ی مثبت وجود دارد. در مقابل بین انگیزه‌ی پیشرفت و شیوه‌ی فرزندپروری دیکتاتوری، رابطه‌ی منفی وجود دارد (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۰).

لذا از آنجایی که شخصیت انسان متأثر از محیط خانواده و تفاوت‌های موجود در شخصیت متأثر از شیوه‌های فرزندپروری والدین است و از طرفی سخت‌رویی به عنوان یک صفت شخصیتی موجب مقاومت انسان در برابر فشارهای روانی و در نتیجه ضامن سلامتی جسم و روان می‌شود و همچنین به دلیل این که در کشور ما تحقیقات بسیاری در زمینه‌ی موضوع مورد بررسی انجام نگرفته است، از این رو محقق با هدف کلی تعیین رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با میزان سخت‌رویی فرزندان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن و اهداف جزئی تعیین میزان سخت‌رویی در دانشجویان دختر و پسر و نیز تعیین میزان سخت‌رویی دانشجویان دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن به دنبال آزمون این فرضیه‌ها است که:

شرایط زندگی مواجه می‌شوند، زمینه برای شکل‌گیری این ویژگی فراهم می‌شود (مدی و کوباسا، ۱۹۸۴).

جاویدی (۱۳۷۰) در بررسی خود، رابطه‌ی سه نوع خانواده‌ی دیکتاتورمنش، دموکراتیک و خانواده‌ی متکی به اصول آزادی مطلق را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که بین جو عاطفی خانواده‌ی متمایل به دموکراتیک با خلاقیت کودکان در حدود اطمینان ۰/۹۹ رابطه‌ی مستقیم معنی‌داری وجود دارد و بین جو عاطفی خانواده‌ی متمایل به دیکتاتوری با خلاقیت کودکان در حدود اطمینان ۰/۹۸ رابطه‌ی معکوس معنی‌دار وجود دارد. همچنین وی اذعان دارد که بین جو عاطفی خانواده‌ی متمایل به اصول آزادی مطلق با خلاقیت کودکان رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد (به نقل از جمشیدی، ۱۳۷۲).

بکر^۱ (۱۹۶۴) در تحقیقات خود نتیجه می‌گیرد؛ در حالی که محدودیت ممکن است موجب رفتار اجتماعی خوب و کنترل شده گردد، ولی موجب ترس، عدم استقلال، سردرگمی، دشمنی سرکوب شده و تا اندازه‌ای سبب کرحتی فعالیت‌های هوشی نیز می‌گردد (به نقل از اسلامی شهر بابکی، ۱۳۶۹).

کفایت (۱۳۷۱) در بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با خلاقیت، دریافت که همبستگی منطقی و معناداری بین دو متغیر (۰/۲۴ تا ۰/۲۵) وجود دارد (به نقل از جمشیدی، ۱۳۷۲).

ویکتوریافو و موران^۲ (۱۹۸۳)، در بررسی ارتباط میان فعالیت کودکان پیش‌دبستانی با شخصیت، خلاقیت و نگرش‌های فرزندپروری آنان دریافتند که، هیچ یک از خصوصیات والدین، پیش‌بینی‌کننده‌ی خلاقیت کودکان نبودند. همچنین ضریب همبستگی پیرسون میان شخصیت فرزندان و والدین معنی‌دار نبوده است

1. Becker

2. Victoria. R. Fu and. D. Moran

الف: فرضیه‌های اصلی

۱. بین شیوه‌ی فرزند‌پروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه وجود دارد.

۲. بین شیوه‌ی فرزند‌پروری مستبدانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه وجود دارد.

۳. بین شیوه‌ی فرزند‌پروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه وجود دارد.

ب: فرضیه‌های ویژه

۴. بین سخت‌رویی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

۵. بین سخت‌رویی دانشجویان دوگروه علوم انسانی و علوم زیستی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش به تناسب هدف و فرضیه‌های مورد نظر تدوین شده، روش تحقیق ماهیتاً غیر آزمایشی است که در داخل این روش، از روش همبستگی برای آزمون فرضیه‌های اصلی و آزمون t مستقل برای فرضیه‌های ویژه‌ی تحقیق استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری. جامعه‌ی پژوهش مورد نظر،

تعداد ۱۰۳۶ نفر از دانشجویان (دختر و پسر) دوره‌ی کارشناسی ورودی سال تحصیلی ۸۵-۸۴ مشغول به تحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن در دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی بوده است.

نمونه و روش نمونه‌گیری. در این پژوهش از تعداد

۱۰۳۶ نفر از افراد جامعه‌ی آماری، تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. چون جامعه‌ی آماری از زیر گروه‌های مختلف تشکیل شده است، روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌ای است. در این روش تعداد افراد نمونه‌ی هر طبقه به تناسب کل افراد آن طبقه انتخاب می‌شوند. لذا در گروه علوم انسانی به تناسب ۱۷۲ نفر

دانشجوی مذکر، تعداد ۵۰ نفر و به تناسب ۴۶۶ نفر دانشجوی مؤنث، تعداد ۱۳۵ نفر و در گروه علوم زیستی به تناسب ۸۴ نفر دانشجوی مذکر، تعداد ۲۴ نفر و به تناسب ۳۱۴ نفر دانشجوی مؤنث، تعداد ۹۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار تحقیق

الف. پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزند‌پروری باوم ریند. باوم ریند از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۹۷۳ مجموعه‌ی بررسی‌هایی انجام داد که طی آن الگوهای از شیوه‌های فرزند‌پروری والدین را مشخص کرد. وی برای مطالعات خود پرسشنامه‌ای مطرح کرد که با نام خود او معروف شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به شیوه‌ی سهل‌گیرانه و ۱۰ سؤال به شیوه‌ی مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه‌ی دموکراتیک مربوط می‌شوند. در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین: کاملاً موافقم، موافق، تقریباً مخالفم و مخالفم و کاملاً مخالفم قرار دارد که به ترتیب از ۴ تا صفر نمره‌گذاری می‌شوند. از جمع نمرات سؤالات مربوط به هر شیوه، سه نمره‌ی مجزا به دست می‌آید. برای^۱، میزان پایایی^۲ این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین دو گروه مادران به شرح زیر گزارش داده است: (۰/۸۱) برای شیوه‌ی سهل‌گیرانه، (۰/۸۶) برای شیوه‌ی استبدادی و (۰/۷۸) برای شیوه‌ی قاطع و اطمینان‌بخش (مقتدرانه). در پدران نیز، برای شیوه‌ی سهل‌گیرانه (۰/۷۷)، برای شیوه‌ی استبدادی (۰/۸۵) و برای شیوه‌ی مقتدرانه (۰/۹۲) به دست آمده است. وی برای بررسی میزان اعتبار (روایی)^۳ پرسشنامه از روش روایی افتراقی و اگر استفاده نمود و مشاهده کرد که مستبد بودن مادران، رابطه‌ی

1. Buri

2. Reliability

3. validity

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که مؤلفه‌های سخت‌رویی یعنی تعهد، کنترل و چالش هر یک به ترتیب از ضریب پایایی ۰/۷۰، ۰/۵۲ و ۰/۵۲ برخوردارند و این ضرایب برای کل صفت سخت‌رویی ۰/۷۵ محاسبه شده است. قابل ذکر است که ارقام یاد شده حداقل ضریبی است که در مطالعات گزارش شده‌اند. یعنی بیشتر ضرایب پایایی، چه در مورد نمرات فرعی سه مؤلفه‌ی سخت‌رویی و چه در مورد کل آن بالای ۰/۸۰ بوده است (کوساکا و موریتاکا، ۱۹۹۶). طبق دیگر یافته‌های به دست آمده از سایر پژوهش‌های انجام شده ضرایب پایایی برای مقیاس‌های دیگر سخت‌رویی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۸ و ۰/۶۴ بوده است (شپرود و کاشانی، ۱۹۹۱، ص ۷۵۱) مطالعات انجام شده در حوزه‌ی سخت‌رویی، فی‌نفسه روایی آن را تأیید کرده‌اند (کوساکا و موریتاکا، ۱۹۹۶).

در مورد روایی پرسشنامه‌ی بررسی دیدگاه‌های شخصی، مطالعات متعددی صورت گرفته است. در نخستین بررسی که سوزان اولیت (کوباسا) و همکاران (۱۹۸۴) او انجام دادند ابتدا بیست مدیر اجرایی انتخاب شدند که هر یک به پرسشنامه‌ی سخت‌رویی پاسخ دادند و براساس نمرات کسب شده به دو گروه مدیران با سخت‌رویی بالا و مدیران با سخت‌رویی پایین تفکیک شدند. در ابتدای پژوهش یک دستگاه بی‌سیم همراه با یک پرسشنامه درباره‌ی میزان و کیفیت فعالیت، در اختیار هر یک از آن‌ها قرار گرفت (مدی و کوباسا، ۱۹۸۴) دستگاه‌های بی‌سیم به نحوی تنظیم شده بود که به مدت یک هفته بین ساعت ۸/۳۰ صبح تا ۱۰/۳۰ شب ۱۰ بار به طور تصادفی زنگ می‌خورد.

معکوسی با شیوه‌ی سهل‌گیرانه (۰/۳۸) و اقتدار منطقی مادران (۰/۴۸) دارد.

همچنین مستبد بودن پدران، رابطه‌ی معکوسی با سهل‌گیرانه (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) دارد (بورای، ۱۹۹۱؛ به نقل از لیل‌آبادی، ۱۳۷۵).

در پژوهشی که اسفندیاری (۱۳۷۴) انجام داد تا امکان تغییر شیوه‌ی فرزندپروری والدین مبتلا به اختلال رفتار را بررسی کند، از ۱۰ نفر از صاحب‌نظران روانشناسی و روان‌پزشکی خواست، میزان اعتبار هر جمله از پرسشنامه را مشخص نمایند. نتیجه نشان داد که پرسشنامه دارای اعتبار صوری است. وی برای تعیین پایایی پرسشنامه از ۱۲ نفر از مادران جمعیت مورد مطالعه خواست تا پرسشنامه‌ی مذکور را تکمیل نمایند. بعد از گذشت یک هفته مجدداً پرسشنامه توسط همان افراد تکمیل شد. میزان پایایی برای شیوه‌ی سهل‌گیرانه (۰/۶۷)، برای استبدادی (۰/۷۷) و برای شیوه‌ی مقتدرانه (۰/۷۳) به دست آمده است (به نقل از لیل‌آبادی، ۱۳۷۵).

ب. پرسشنامه‌ی شخصیتی سخت‌رویی کوباسا. مقیاس بررسی دیدگاه‌های شخصی کوباسا دارای ۵۰ ماده است که آزمودنی در برابر هر ماده، براساس آن که این ماده تا چه میزان در مورد وی مصداق دارد، پاسخ خود را در یک مقیاس چهار درجه‌ای از صفر (اصلاً درست نیست) تا سه (کاملاً صحیح است) مشخص می‌نماید. این آزمون دارای سه مؤلفه‌ی اصلی چالش، تعهد و کنترل می‌باشد که هر یک به ترتیب ۱۷، ۱۶ و ۱۷ ماده را به خود اختصاص داده‌اند. نمرات ۳۹ ماده از آزمون به شکل وارونه در نظر گرفته می‌شود. در مجموع یک نمره‌ی کلی برای سخت‌رویی و سه نمره برای مؤلفه‌های مجزا به دست می‌آید.

مدی (۱۹۹۰) در پی تحلیل عوامل این مقیاس، سه عامل یاد شده را به دست آورد و روایی و پایایی قابل قبولی را برای مقیاس سخت‌رویی گزارش کرد.

۲- مدیرانی که سخت‌رویی بیشتری داشتند بر این اعتقاد بودند که خود فعالیت‌های مربوطه را انتخاب کرده‌اند؛ یعنی فعالیت‌های انجام شده به آنان تحمیل نشده است (بازتاب احساس کنترل).

۳- مدیرانی که سخت‌رویی بیشتری داشتند نسبت به انواع رویدادهای محیط پذیرش بیشتری داشتند و آنها را به عنوان تجربه‌های مهم تلقی کردند (بازتاب احساس چالش).

یافته‌های پژوهش فوق در جدول زیر مشاهده می‌شود.

با شنیدن صدای زنگ هر یک از مدیران باید دو نکته را در پرسشنامه قید می‌کرد. نخست این که هنگام شنیدن زنگ به چه کار مشغول بوده است (نوع فعالیت) و دیگر این که در چه وضعیت روحی (هیجانی) قرار داشته است. در پرسشنامه‌های پژوهشی طیف وسیعی از فعالیت‌های متنوع توسط هر یک از مدیران ذکر شده بود که پس از تجزیه و تحلیل آنها محقق به سه نتیجه زیر دست یافت:

۱ - مدیرانی که سخت‌رویی بیشتری داشتند به فعالیت‌های بیشتری پرداختند و افزون بر آن نسبت به فعالیت‌های انجام شده علاقه‌ی بیشتری داشتند (بازتاب احساس تعهد).

جدول اعتباریابی پرسشنامه سخت‌رویی (الف)

جنبه‌هایی از تجربه‌ی مدیران که آزمودنی‌های سخت‌رو را از آزمودنی‌های غیرسخت‌رو به نحو معنی‌دار متمایز می‌کند.

سخت‌رویی پائین	سخت‌رویی بالا	جنبه‌های تجربه
۴/۰۴	۵/۳۳	۱. لذت بردن از فعالیت
۴/۰۹	۵/۶۵	۲. علاقمندی به فعالیت
۳/۷۷	۴/۴۱	۳. گشودگی خلق
۴/۹۵	۶/۰۴	۴. اهمیت فعالیت
۳/۴۱	۴/۷۵	۵. احساس حمایت نشدن از سوی دیگران
۴۲/۴۲	۱۹/۳۶	۶. فعالیت‌های غیرانتخاب شده

(اولت، مدی، دونر، مریک و وایت، ۱۹۸۳)

¹. Openness of mood

آزمون های پسر [$X = 59/16$ و $Sd = 8/79$] و آزمون های دختر [$X = 56/73$ و $Sd = 9/63$] به دست آمد. ضرایب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در دو نوبت معین آزمون و آزمون مجدد، برای کل آزمودنی ها ($r = 0/84$) و آزمودنی های پسر ($X = 0/84$) و آزمودنی های دختر ($X = 0/85$) می باشد که رضایت بخش بوده است (نجاریان، ۱۳۷۵).

برای ارزیابی اعتبار مقیاس سخت رویی در اهواز، این مقیاس به طور همزمان با مقیاس «اعتبار سازه ای سخت رویی» به نمونه ی تحقیق داده شد که ضرایب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در دو مقیاس در جدول زیر مشخص شده است.

این بررسی از طرف کوباسا به عنوان ملاکی در جهت تأیید روایی پرسشنامه ی دیدگاه های شخصی تلقی شده است (مدی و کوباسا، ۱۹۸۴، ص ۱۰۰).

برای سنجش همسانی درونی، مقیاس سخت رویی در اهواز، از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شد. براساس نتایج حاصل، ضرایب آلفا برای کل نمونه، آزمودنی های پسر و آزمودنی های دختر به ترتیب $0/76$ ، $0/76$ و $0/74$ بدست آمد که مبین پایایی مطلوب و بالایی است. روش دیگر برای سنجش پایایی مقیاس سخت رویی در اهواز، بازآزمایی بوده است. این آزمون مجدداً پس از ۶ هفته به ۱۱۹ نفر دانشجو (۵۳ پسر و ۶۶ دختر) که در مرحله ی اول شرکت داشتند، داده شد. میانگین و انحراف معیار نمره ی کل آزمودنی ها [$X = 57/91$ و $Sd = 9/27$]

ارزیابی اعتبار مقیاس سخت رویی (ب)

مقیاس اعتبار سازه ای سخت رویی	نمونه	مقیاس سخت رویی در اهواز
تعهد	آزمودنی های دختر	۰/۸
	آزمودنی های پسر	۰/۳
	کل آزمودنی ها	۰/۵
کنترل	آزمودنی های دختر	۰/۴۵
	آزمودنی های پسر	۰/۴۳
	کل آزمودنی ها	۰/۴۳
چالش	آزمودنی های دختر	۰/۵۸
	آزمودنی های پسر	۰/۴۵
	کل آزمودنی ها	۰/۵۰
کل سازه	آزمودنی های دختر	۰/۶۱
	آزمودنی های پسر	۰/۴۶
	کل آزمودنی ها	۰/۵۱

$$P = 0/000$$

$$P = 0/1$$

$$P = 0/05$$

معنی‌داری نتایج از آزمون تعقیبی T فریدلی استفاده شده است.

از سوی دیگر به منظور بررسی تفاوت میزان سخت‌رویی در دانشجویان دختر و پسر و نیز در دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی از آزمون T برای گروه‌های مستقل استفاده شده است. لازم به ذکر است، کلیه‌ی روش‌های آماری با استفاده از نرم افزار $S.P.S.S$ انجام شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده، مقیاس سخت‌رویی در اهواز، برای شناسایی افراد سخت‌رو ابزار دقیق و قابل اعتماد است و از ضرایب پایایی و اعتبار (روایی) رضایت بخشی برخوردار است (نجاریان، ۱۳۷۵).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها. در این تحقیق با توجه به هدف و فرضیه‌های آرایه شده، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و برای تعیین

یافته‌های تحقیق

الف: یافته‌های توصیفی:

جدول ۱. شاخص‌های آماری توصیفی نمرات شیوه‌های فرزندپروری والدین دانشجویان

شاخصهای آماری توصیفی شیوه‌های فرزندپروری	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
شیوه مقتدرانه	۳۰۰	۳۲/۵	۶/۰۹
شیوه استبدادی	۳۰۰	۱۶/۹	۵/۹۳
شیوه سهل‌گیرانه	۳۰۰	۱۹/۴	۴/۹۸

استبدادی کمتر از دو شیوه‌ی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته با توجه به انحراف معیار نمره‌های به دست آمده، عملکرد والدین در پاسخگویی به سؤالات مربوط به شیوه‌ی سهل‌گیرانه همگن‌تر از دو مورد دیگر است و از سوی دیگر والدین در پاسخگویی به سؤالات شیوه‌ی مقتدرانه تجانس کمتری در عملکرد خود نشان داده‌اند.

بر اساس جدول فوق، میانگین نمرات ۳۰۰ نفر از والدین دانشجویان در سه شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه به ترتیب: (۳۲/۵)، (۱۶/۹) و (۱۹/۴) و نیز انحراف معیار آن به ترتیب: (۶/۰۹)، (۵/۹۳) و (۴/۹۸) می‌باشد همانطور که مشاهده می‌شود میانگین نمرات شیوه‌ی مقتدرانه بیشتر از دو شیوه‌ی دیگر است. همچنین در خانواده‌های مورد آزمون، ظاهراً شیوه‌ی

جدول ۲. شاخص‌های آماری توصیفی نمرات سخت‌رویی دانشجویان دختر و پسر

شاخص‌های آماری توصیفی	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
جنس			
پسر	۷۴	۸۶/۰۶	۱۸/۸۴
دختر	۲۲۶	۹۲/۲۸	۱۴/۹۷

تعداد ۲۲۶ نفر از دانشجویان دختر (۹۲/۲۸) و نیز انحراف معیار آن به ترتیب (۱۸/۸۴) و (۱۴/۹۷) می‌باشد.

بر اساس جدول فوق، میانگین نمرات سخت‌رویی تعداد ۷۴ نفر از دانشجویان پسر (۸۶/۰۶) و میانگین

دختران در پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه ی سخت‌رویی نسبت به پسران متجانس تر بوده‌اند.

همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین نمرات سخت‌رویی دختران بیشتر از میانگین نمرات سخت‌رویی پسران است و علاوه بر آن، باتوجه به انحراف معیار به دست آمده،

جدول ۳. شاخص های آماری توصیفی نمرات سخت‌رویی دانشجویان گروه‌های علوم انسانی و علوم زیستی

شاخص های آماری توصیفی گروه تحصیلی	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
علوم انسانی	۱۸۵	۹۰/۲۶	۱۶/۰۸
علوم زیستی	۱۱۵	۹۱/۵۳	۱۶/۴۶

عملکرد دو گروه در پاسخگویی به سؤال های پرسشنامه ی سخت‌رویی، از تجانس تقریباً یکسانی برخوردار است. ب: یافته های مربوط به فرضیه های پژوهش: فرضیه ی اصلی اول: بین شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان، رابطه وجود دارد.

بر اساس جدول فوق، باتوجه به میانگین‌های به دست آمده نمرات سخت‌رویی دانشجویان دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی که به ترتیب: (۹۰/۲۶) و (۹۱/۵۳) می‌باشد، تفاوت چندانی بین دو میانگین مشاهده نمی‌شود. همچنین باتوجه به انحراف معیار به دست آمده برای دو گروه که به ترتیب (۱۶/۰۸) و (۱۶/۴۶) می‌باشد،

جدول ۴. شاخص های استنباطی برای فرضیه ی اول

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	حجم نمونه	ضریب تعیین	میزان T جدول	قدر مطلق T محاسبه شده	درجه آزادی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
فرزندپروری مقتدرانه	سخت‌رویی فرزندان	۳۰۰	۰/۸۰۸	۲/۵۷	۵/۳۵	۲۹۸	۰/۲۹۶	۰/۰۱

سخت‌رویی فرزندان همراه است. ضمناً ضریب تعیین محاسبه شده مبین آن است که صرفاً ۸/۸٪ از واریانس سخت‌رویی را می‌توان از طریق متغیر شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی کرد و ۹۱/۲٪ از تغییرات سخت‌رویی مستقل از شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه تبیین می‌شود.

فرضیه ی اصلی دوم: بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سخت‌رویی فرزندان، رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه قدرمطلق t محاسبه شده از t به دست آمده از جدول ($t = ۲/۵۷$) در سطح ($\frac{\alpha}{2} = ۰/۰۱$) و با درجه ی آزادی ($df = ۲۹۸$)، بزرگتر است، در نتیجه فرض صفر آماری مبنی بر نبود رابطه بین شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان، رد و فرضیه ی پژوهشی تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از شواهد امر چنین نتیجه گرفت که بین شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان، رابطه ی معنی‌داری وجود دارد و باتوجه به مثبت بودن ضریب همبستگی محاسبه شده، جهت این رابطه مستقیم است. یعنی افزایش شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه با افزایش

جدول ۵. شاخص های استنباطی برای فرضیه ی دوم

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	حجم نمونه	ضریب تعیین	میزان T	قدرمطلق T	درجه آزادی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
فرزندپروری استبدادی	سخت‌رویی فرزندان	۳۰۰	۰/۸	۲/۵۷	۵/۰۷۴	۲۹۸	۰/۲۸۲	۰/۰۱

یعنی افزایش شیوه ی فرزندپروری استبدادی با کاهش میزان سخت‌رویی فرزندان همراه است. ضمناً ضریب تعیین محاسبه شده، مبین آن است که صرفاً ۸٪ از واریانس سخت‌رویی در جهت معکوس را می‌توان از طریق متغیر شیوه ی فرزندپروری استبدادی، پیش‌بینی کرد و ۹۲٪ از تغییرات سخت‌رویی مستقل از شیوه ی فرزندپروری استبدادی است.

فرضیه ی اصلی سوم: بین شیوه ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی فرزندان، رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه قدر مطلق t محاسبه شده ($t = ۵/۰۷۴$) از t به دست آمده از جدول ($t = ۲/۵۷$) در سطح ($\frac{\alpha}{2} = ۰/۰۱$) و با درجه ی آزادی ($df = ۲۹۸$)، بزرگتر است، در نتیجه فرض صفر آماری مبنی بر نبود رابطه بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سخت‌رویی فرزندان، رد و فرضیه ی پژوهشی تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از شواهد امر چنین نتیجه گرفت که بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سخت‌رویی فرزندان، رابطه ی معنی‌داری وجود دارد و باتوجه به منفی بودن ضریب همبستگی محاسبه شده، جهت این رابطه معکوس است.

جدول ۶. شاخص های استنباطی برای فرضیه ی سوم

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	حجم نمونه	ضریب تعیین	میزان T	قدرمطلق T	درجه آزادی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
فرزندپروری سهل‌گیرانه	سخت‌رویی فرزندان	۳۰۰	۰/۰۲٪	۲/۵۷	۰/۲۲	۲۹۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱

سخت‌رویی فرزندان، تأیید و فرضیه ی پژوهشی رد می‌شود. بنابراین می‌توان از شواهد امر چنین نتیجه گرفت که بین شیوه ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی فرزندان، رابطه ی معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه ی فرعی چهارم: بین سخت‌رویی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

با توجه به اینکه قدر مطلق t محاسبه شده ($t = ۰/۲۲$) از t به دست آمده از جدول ($t = ۲/۵۷$) در سطح ($\frac{\alpha}{2} = ۰/۰۱$) و با درجه ی آزادی ($df = ۲۹۸$)، کوچکتر است، در نتیجه فرض صفر آماری مبنی بر نبود رابطه بین شیوه ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با

جدول ۷. شاخص های استنباطی برای فرضیه ی چهارم

جنسیت	حجم نمونه	حجم کل	متغیر مورد بررسی	قدرمطلق T	میزان T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پسر	۷۴	$N = ۳۰۰$	سخت‌رویی	$t = ۲/۸۹$	$t = ۲/۵۷$	$df = ۲۹۸$	۰/۰۱
دختر	۲۲۶						

پژوهشی تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از شواهد امر چنین نتیجه گرفت که بین میزان سخت‌رویی دختران و پسران، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.
فرضیه ی فرعی پنجم: بین سخت‌رویی دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی، تفاوت وجود دارد.

با توجه به اینکه قدر مطلق t محاسبه شده از $t = 2/89$ به دست آمده از جدول ($t = 2/57$) در سطح $\frac{\alpha}{2} = 0/01$ و با درجه ی آزادی ($df = 298$)، بزرگتر است، در نتیجه فرض صفر آماری مبنی بر نبود تفاوت بین میزان سخت‌رویی دو جنس، رد و فرضیه ی

جدول ۸. شاخص های استنباطی برای فرضیه ی پنجم

گروه تحصیلی	حجم نمونه	حجم کل	متغیر مورد بررسی	قدرمطلق T محاسبه شده	میزان T جدول آزادی	درجه ی آزادی	سطح معنی‌داری
علوم انسانی	۱۸۵	$N = 300$	سخت‌رویی	$t = 0/66$	$t = 2/57$	$df = 298$	$\frac{\alpha}{2} = 0/01$
علوم زیستی	۱۱۵						

۱۹۸۴). پژوهش حاضر را می‌توان به طور غیر مستقیم با پژوهش های (هافمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ برگ، ۲۰۰۱؛ باومریند، ۱۹۶۷؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۰؛ جاویدی، ۱۳۷۰ و کفایت، ۱۳۷۱) که رابطه ی شیوه‌های فرزندپروری را با متغیرهایی همچون عزت‌نفس، خلاقیت، انگیزه ی پیشرفت، مورد بررسی قرار دادند، مرتبط دانست. چون وقتی می‌گوییم فردی دارای جرأت و اعتماد به نفس است. نتیجه می‌گیریم که ترسو نیست و اضطراب ندارد. فردی که مضطرب است تمرکز حواس ندارد. پس نمی‌تواند خلاق باشد و انگیزه ی پیشرفت بر او مترتب نیست و در یک کلام چنین فردی نمی‌تواند قدرت تصمیم‌گیری داشته باشد. با توجه به نتیجه ی پژوهش حاضر و پژوهش های همسو، چنین استنباط می‌شود که ویژگی های شخصیتی، از جمله سخت‌رویی، ریشه در محیط تربیتی افراد به ویژه، خانواده دارد.

باتوجه به اینکه قدرمطلق t محاسبه شده ($t = 0/66$) از t به دست آمده از جدول ($t = 2/57$) در سطح $\frac{\alpha}{2} = 0/01$ و با درجه ی آزادی ($df = 298$)، کوچکتر است. در نتیجه فرض صفر آماری مبنی بر نبود تفاوت بین میزان سخت‌رویی دانشجویان دو گرایش تحصیلی (علوم انسانی و زیستی)، تأیید و فرضیه ی پژوهشی رد می‌شود. بنابراین می‌توان از شواهد امر چنین نتیجه گرفت که بین میزان سخت‌رویی دو گروه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و علوم زیستی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه ی اصلی اول: بین شیوه ی فرزند پروری مقتدرانه ی والدین با سخت روی فرزندان رابطه وجود دارد.

فرضیه ی فوق تأیید شد. اگرچه در پژوهش های مورد بررسی پژوهشگر، سوابقی مبنی بر بررسی رابطه ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و متغیر سخت‌رویی فرزندان به دست نیامد ولی از آنجا که اصطلاح سخت‌رویی معادل جرأت‌ورزی به کار رفته است و از ویژگی های بارز افرادی که واجد این خصیصه هستند، قدرت تصمیم‌گیری مطلوب است (کوباسا و مدی،

به طور خلاصه، اگر والدین نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان را با اقتدار (پذیرش و محدودیت با احترام) برآورده کنند آنان دنیای پیرامون خود را با ارزش می‌بیند و حس (تعهد) در آنها شکل می‌گیرد، اگر به آنها امکان ابراز وجود بدهند و فرزندان احساس کنند که در

اسماعیل زاده (۱۳۸۰)، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که شیوه‌ی فرزند پروری دیکتاتوری والدین با انگیزش پیشرفت فرزندان رابطه‌ی منفی دارد. جاویدی (۱۳۷۰) نشان داده است که بین جو عاطفی متمایل به دیکتاتوری والدین با خلاقیت فرزندان رابطه‌ی معکوس معنی‌دار وجود دارد.

باتوجه به نتیجه‌ی تحلیل فرضیه‌ی مورد بحث و پژوهش‌های انجام‌شده‌ی همسوی با آن چنین استنباط می‌شود که هر جا استبداد باشد ترس در آنجا حاکم است و هر جا ترس باشد، هیچ انگیزه‌ای وجود ندارد و هیچ استعدادی بارور نمی‌شود، بچه‌ها جرأت ابراز وجود ندارند و خلاقیت می‌میرد. در محیط دیکتاتوری، استعدادها بالقوه‌ی فرزندان به بالفعل نخواهد رسید. شخصیت و تمایلات و نیازهای فرزندان مورد توجه والدین نیست. بحران جایگزین امنیت و تزلزل جایگزین ثبات و خشم جایگزین محبت، وابستگی، جایگزین استقلال و حس بیگانگی جایگزین حس تعهد در فرزندان می‌شود. بدیهی است که در خانواده‌هایی که چنین اوضاعی حاکم باشد فرزندان خویشتن خود را تهی از ارزش و دنیای پیرامون خود را خالی از محتوا می‌بینند و چنین شناختی کاملاً مغایر با شناخت سخت‌رو افراد می‌باشد.

فرضیه‌ی اصلی سوم: بین شیوه‌ی فرزند پروری سهل‌گیرانه والدین با سخت‌رویی فرزندان رابطه وجود دارد.

نتیجه‌ی حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی فوق، نبود رابطه‌ی معنی‌دار بین شیوه‌ی فرزند پروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی فرزندان را نشان داده است و فرضیه تأیید نشد این نتیجه با نتیجه‌ی تحقیقات یافو و موران (۱۹۸۳) همپوشی دارد. در این پژوهش نشان داده شده است که بین شیوه‌ی فرزند پروری والدین و

حل مسایل قابلیت و شایستگی کافی و بر محیط خود تسلط دارند، حس (کنترل) در آنها به وجود می‌آید، در نهایت وقتی والدین به فرزندان بیاموزند که تجربه‌های متنوع در زندگی با ارزش است حس (چالش‌طلبی) در آنها به بروز می‌کند (مدی و کوباسا، ۱۹۸۴).

فرضیه‌ی اصلی دوم: بین شیوه‌ی فرزند پروری استبدادی والدین با سخت‌رویی فرزندان رابطه وجود دارد.

این فرضیه تأیید شد. این نتیجه نیز با نتیجه‌ی حاصل از بررسی‌های مدی و کوباسا (۱۹۸۴) همپوشی دارد. بررسی‌های آنان نشان داده است که در خانواده‌های استبدادی به دلیل محدود کردن ابراز وجود فرزندان، حس بیگانگی که نقطه‌ی مقابل احساس تعهد است پدیدار می‌شود و نیز بررسی‌های آنان حاکی از آن است که اگر حالات تحمیل شده به کودک نامطلوب و نامناسب باشند، کودک هرگز به مرحله‌ی سخت‌رویی نخواهد رسید. نتیجه‌ی بررسی فوق همچنین با نتایج بررسی‌های باوم ریند (۱۹۷۱) و کینگ (۲۰۰۲) همپوشی دارد. باوم ریند در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده است که در خانواده‌های مستبد، کودکان، مضطرب و گوشه‌گیر بودند. پسرها خشم و سرپیچی نشان می‌دادند و دخترها بی‌علاقه به کند و کاو می‌پرداختند و از تکالیف چالش‌انگیز عقب‌نشینی می‌کردند (به نقل از برک، ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳).

بررسی‌های کینگ (۲۰۰۲) نشان داده است که در محیط دیکتاتوری بچه‌ها احساس امنیت نمی‌کنند و وضع آنها همیشه متزلزل است، هدف انجام کارها را نمی‌دانند و جرأت نمی‌کنند دلیل آنها را بپرسند (به نقل از صالحین، ۱۳۸۲).

فرضیه ی فوق تأیید شد. و ضمناً نتیجه ی این بررسی نشانگر آن است که سخت رویی دختران بیشتر از پسران است. این نتیجه مغایر با نتیجه ی پژوهش ملک زاده نقصانی (۱۳۷۹) می باشد. اگر چه نامبرده نشان داده است که چالش طلبی پسران بیشتر از دختران است ولی باید توجه داشت که این یک جزو از اجزای سخت رویی است که در کنار دیگر اجزای آن سازه، مفهوم کامل تر و بهتری پیدا می کند و سبب بهبود عملکرد می شود. پس چالش طلبی به تنهایی مبین سخت رویی نیست. در خصوص بالاتر بودن سخت رویی دختران نسبت به پسران و مغایرت آن با نتیجه ی تحقیق ملک زاده نقصانی می توان چنین بیان کرد که: در عرف جامعه ی ما سخت رویی در آقایان امری عادی و پذیرفته شده است و به سخت رویی خانم ها مهر عدم تأیید زده می شود و اگر خانم ها روحیه ی خود را در مواجهه با موانع و مشکلات حفظ کنند و به مبارزه در رفع مشکل ادامه دهند، افراد جامعه از نظر شخصیتی آنها را به آقایان تشبیه می کنند، و دلیل آنها از این تشبیه این است که این روحیه از آقایان انتظار می رود نه از خانم ها. شاید مورد طرح شده تبیینی برای بالاتر بودن سخت رویی خانم ها باشد و آنها با وجود این که این روحیه را در خود احساس می کنند، اجازه ی به عمل درآوردن و شکوفا شدن آن را به خاطر تفکر حاکم بر جامعه به خود نمی دهند. چون در این صورت فردی نابه هنجار تلقی می شوند و از طرف جامعه مورد حمایت قرار نمی گیرند.

فرضیه ی فرعی پنجم: بین سخت رویی دانشجویان دو گروه علوم انسانی و علوم زیستی تفاوت وجود دارد.

فرضیه ی فوق تأیید نشد. در پژوهش های قبلی چنین بررسی ای مشاهده نگردید ولی علت نبود تفاوت معنی دار در سخت رویی دو گروه یاد شده را می توان این

شخصیت فرزندان رابطه ی معنی داری وجود ندارد و سخت رویی نیز یکی از مؤلفه های شخصیت است. همچنین پژوهش حاضر به طور غیر مستقیم با پژوهش جاویدی (۱۳۷۰) ارتباط و همپوشی دارد. وی در بررسی های خود به این نتیجه رسیده است که بین جو عاطفی خانواده ی متمایل به اصول آزادی مطلق، با خلاقیت کودکان رابطه ی معنی داری وجود ندارد. از طرفی نتیجه ی حاصل از فرضیه ی فوق با نتیجه ی حاصل از بررسی های مدی و کوباسا (۱۹۸۴) مغایر است. زیرا آنها معتقدند که اگر والدین در مقابل ابراز نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان، متخاصم و سهل انگار باشند، فرزندان خویشتن خود را تهی از ارزش و دنیای پیرامون خود را خالی از محتوا می بینند یعنی در حقیقت زندگی در نظر آنها بی معناست و این نوع طرز تفکر درست بر خلاف طرز تفکر افراد سخت رو می باشد که خود و دنیای اطراف خود را با ارزش قلمداد می کنند. به اعتقاد آنان شیوه ی فرزند پروری سهل گیرانه همان اثر را در تکوین شخصیت فرزندان دارد که شیوه ی فرزند پروری استبدادی در پی دارد. این نتیجه شاید به تناسب فرهنگ حاکم بر آن جامعه باشد یا اینکه آزمودنی ها به دلیل خستگی در پاسخگویی به مقیاس های اندازه گیری دقت لازم را نداشتند. آنچه مشخص است در دو شیوه ی فرزند پروری مقتدرانه و استبدادی، کنش و واکنش دو سویه بین والدین وجود دارد ولی در شیوه ی فرزند پروری سهل گیرانه، فرزندان در زمینه ی نحوه ی رفتارشان از سوی والدین به چالش نمی افتند برای اینکه در چنین خانواده ای نظارت چندانی حاکم نیست.

فرضیه ی فرعی چهارم: بین سخت رویی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

دوم دبیرستان منطقه ۴ تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی. - اکبری خرازی، پریسا. (۱۳۷۹). *بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌ی فرزند‌پروری مادران با عزت‌نفس کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری در گروه سنی ۱۰-۷ سال تهران*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

- برک، لورا ای. (۱۳۸۳). *روانشناسی رشد: از لقاح تا کودکی*. ترجمه‌ی یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران. تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۱.

- بیگدلی، ایمان‌الله. (۱۳۷۲). *بررسی آزمایشی سبک اسناد در الگوی درماندگی آموخته شده*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.

- جمشیدی، منیژه. (۱۳۷۲). *بررسی ارتباط بین شیوه‌های فرزند‌پروری و عزت‌نفس در کودکان دبستانی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۶). *روانشناسی تربیتی*. تهران: امیرکبیر.

- شولتز، دوان. (۱۳۷۳). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه‌ی یوسف کریمی و همکاران. تهران: ارسباران. تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۲.

- صالحین، علی. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزند‌پروری پدران با شخصیت و تحصیلات آنها در شهر دامغان*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

- قائمی، علی. (۱۳۷۳). *خانواده و دشواریهای رفتاری کودکان*. تهران: امیر.

چنین بیان کرد: باتوجه به این که در کنکور ورودی دانشگاه‌ها، رشته‌های تحصیلی و گروه‌های آموزشی مختلف دارای امتیازات یا تراز قبولی متفاوت هستند و در نتیجه، دانشجویی که در یک رشته‌ی زیستی پذیرفته می‌شود، باید تراز قبولی بالاتری داشته باشد و از سوی دیگر قبولی در رشته‌های مذکور، نیازمند سخت‌کوشی و استقامت بیشتر می‌باشد، پس قاعدتاً انتظار می‌رود که بین گروه‌های علوم انسانی و زیستی تفاوتی در میزان سخت‌رویی مشاهده شود. با این همه همانطور که ملاحظه می‌کنید چنین تفاوتی مورد تأیید قرار نگرفته و شاید این عدم تفاوت ناشی از دخالت احتمالی عواملی باشد که در نتیجه‌ی کنکور و در ارزشیابی علمی داوطلبین اثر می‌گذارند و ربطی به توان علمی یا سخت‌کوشی آنها ندارد.

لذا بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر با عنایت به اینکه محیط یکی از عوامل تأثیرگذار در شخصیت انسان است و خانواده به عنوان یک مؤلفه‌ی محیطی، نقش اساسی در شکل‌دهی رفتار فرزندان دارد، پیشنهاد می‌شود برای زوج‌های جوان قبل از تولد فرزند، آموزش لازم در زمینه‌ی نحوه‌ی تربیت فرزند ارایه گردد.

منابع

- اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریچارد؛ س و هیلگارد؛ ارنست. ر. (۱۳۷۳). *زمینه‌ی روانشناسی*. ترجمه‌ی محمدتقی براهنی و همکاران. تهران: رشد. تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۳.

- احدی، حسن و بنی‌جمالی، شکوه‌السادات. (۱۳۷۲). *روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک)*. تهران: بنیاد.

- اسماعیل‌زاده، زهره. (۱۳۸۰). *ارتباط بین شیوه‌ی فرزند‌پروری دمکراتیک با انگیزش پیشرفت نوجوانان*

- لیل آبادی، لیدا. (۱۳۷۵). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری مادران دارای کودکان دچار اختلال رفتاری با شخصیت آنها*. پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه علامه ی طباطبایی.
- ملک‌زاده نقصانی، پریسا. (۱۳۷۹). *مقایسه سخت‌رویی دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، فنی‌مهندسی و علوم پایه*. پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- نجاریان، بهمن. (۱۳۷۵). روانشناسی نگرانی. *مجله علمی و پژوهشی. دانشگاه اهواز*. شماره ۱ و ۲. صص ۶۵-۸۳

- Kobasa, Suzanne. C., Maddi. Salvatore. R., Puccetti, Mark. C., Zola, Marc. A. (1985). Effectiveness of hardiness, exercise and social support as resources against illness. *Journal of Psychometric Research*. Vole 29(5): 525-533.
- Kobasa, Suzanne.c. (1984). *How much stress can you survive?* American health pp:64-77
- Maddi, Salvator R. Khobasa, sazanec. (1984). *The hardly executive: Health under stress*. USA.
- Shepperd, James. A., Kashani, Javad. H. (1991). The relationship of Hardiness, -Gender, and stress to health outcomes in Adolescents. *Journal of personality*, Vole 5 N(4): 761 – 763.

Archive

The Relationship between Parents' Child Rearing Styles and Children's Hardiness

Naghipour. Masoud*¹

1) M.A. Educational psychology, Islamic Azad University, Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran

*Corresponding author: naghipour.masoud@gmail.com

Abstract

In this study, the relationship between different child rearing styles (authoritarian, democratic, and easygoing) in parents and hardiness in their children was studied. The research question was whether there was a relationship between parents' rearing styles and hardiness in children. In order to find answer to the above question, 300 university students were selected on the basis of their sex (males and females) major (humanistic and biological branches of science) and age (19 to 25). Khobasa hardiness inventory (50 items) and Baumrind (30 items) questionnaire were administered to assess the hardiness in students and child rearing styles in parents, respectively. The Pearson correlation test and a post-hoc test (freedly + test) were used to analyze the obtained data. Regarding the obtained fact, two other hypotheses (the two sexes and the two majors differs in hardiness) were tested and to test the above hypotheses the statistical + student test was used. The results showed that there was a significant positive correlation between democratic rearing style and hardiness in children; moreover, there was a significant negative correlation between authoritarian style and hardiness. However, it seemed that easygoing rearing style and hardiness in children were not correlated. The two sexes differed significantly in hardiness but not the two university majors (humanistic and biological).

Keywords: Child Rearing Styles (Authoritarian, Democratic, and Easygoing), Hardiness (Commitment, Control, Challenge)

Archive